

کوبایی ها در آنگولا

قسمت سوم

تهدید سفیر آمریکا

در این مدت که کوباییها هنوز همه هواپیماها را برای اینکار آماده نکرده بودند، آنها دنبال راه حلی میگشتند، که آنرا هم پیدا کردند. آنها در کشور "کوبانا"، در شمال آمریکای جنوبی، اجازه بنزین گیری بدست آوردند، ولسی این کار با اشکالات زیاد همراه بود. اولاً، پست فرودگاه خیلی کوتاه بود. ثانیاً، شرکت آمریکائی "تکراکو" که در فرودگاه انحصار فروش بنزین را دارد حاضر نمیشد به هواپیماهای کوبائی بنزین بفروشد. کوبا خود یک کشتی نفتکش به "کوبانا" فرستاد، که متأسفانه بنزین آن قبل از رسیدن به هواپیما، با آب و خاک مخلوط شده بود. از طرف دیگر، سفیر آمریکا شخصاً نزد رئیس جمهور "کوبانا" رفت و تهدید کرد که اگر هواپیماهای کوبائی بار دیگر در فرودگاه پرتو میکلین بنشینند، آمریکائیهها فرودگاه را بمباران خواهند کرد. با تمام این احوال، کوباییها توانستند تا پایان جنگ در آنگولا ۱۰۱ پرواز به آنگولا انجام دهند. ولی راه اصلی حمل و نقل را راه دریا تشکیل میداد، که آنها با اشکالات زیادی روبرو بود. در دو کشتی مسافربری کوبائی، که هر کدام ظرفیت ۴۰۰۰ تن داشت، میبایستی تغییراتی داده میشد. همه اتاقهای کشتی تبدیل به اتاق خواب گشت. در بار و در راهروی کشتی چندین توالت ساخته شد. معمولاً با این کشتی ها ۲۲۶ نفر میتوانند مسافرت کنند، آنها با اسلحه و مهمات.

آشپزخانه های متحرک در سالنهای کشتی جای داشتند. برای اینکه آب برای ظرف شویی مصرف نشود بشقابها و لیوانهای مقوایی مصرف میشد. بعد از آنکه ششماه تمام این کشتی ها مرتب از کوبا به آفریقا و برعکس حرکت میکردند، موتورهای آنها یکی از بین میرفت. اولین گروه کوباییها که از "آنگولا" باز میگشتند، مجبور بودند چند روزی در "لوآندا" توقف کنند، چون کشتی "ویتنام هریکو" دیگر حرکت نمیکرد. در این سفر اشکال دیگری نیز وجود داشت و آن تهدید دائمی آمریکائیهها بود که در تمام راه کوباییها را دنبال میکرد. هواپیماها و کشتی های جنگی آمریکا در تمام راه سعی میکردند، با عملیات مختلف، زد و خوردی با کشتی های کوبائی راه بیاندازند. وقتی که هواپیماهای آمریکائی از فاصله خیلی کم بطرف کشتیهای کوبائی پرواز میکردند، کوباییها سعی داشتند که آنها را با این هواپیماها خیال بمب افکنان را دارند، یا فقط از کشتی ها عکس بگیرند. در عرض ۶ ماه، ۴۲ بار این کشتی ها این مسافت را طی کردند. در این مدت در این کشتی ها یک عمل آپانسیس و یک عمل استخوان کمر انجام گرفت و چند نفر مسمومیت غذایی پیدا کردند. هر کوبائی برای مدت معینی به "آنگولا" میرفت و در پایان این مدت قراردادی، با وجود تمام دشواریها، میکوشید باز هم بیشتر در "آنگولا" بماند و در آنجا کمک کند. رهبران این عملیات بسختی میتوانند

آنها را به بازگشت متقاعد سازند .

برای بکارانداختن اسلحه و سایر کمکهای فنی که از کشور اتحاد جماهیر شوروی میرسید ، احتیاج به متخصصین مخصوصی بود و سربازهای ذخیره کوبانی نمیتوانستند از عهده آن برآیند . در ضمن ، میبایست آنکولائیها را تعلیم داد که چگونه از این وسائل مدرن استفاده کنند .

اواخر نوامبر رئیس ستاد ارتش کوبا خود به "آنکولا" رفت . در آن زمان بایستی هرطور شده در جنگ برای آزادی "آنکولا" پیروزی بدست می آمد .

قوای دشمن دارای نیروی آتشزای وسیعی بود آنها از آمریکا ۵۰ میلیون دلار کمک نظامی دریافت داشته بودند . آنکولائیها خیلی دیر از کوبا "تقاضای کمک کرده بودند . از طرف دیگر ، خلائی کهرتغالیها پشت سر گذاشته بودند (پسوادى و عقبا فتادكى)

نیز اشکال بزرگی در راه پیروزی "آنکولا" بود . تنها شرط پیروزی در این جنگ همبستگی و رابطه بسیار نزدیک بین کوبائیها و آنکولائی ها بود .

در حقیقت ، کوبائیها در "آنکولا" تا اندازه ای خود را خودمانی حس میکردند . از نظر آب و هوا و گیاهان ، "آنکولا" شباهت زیادی به "کوبا" دارد . بعضی افراد کوبائی عم شباهت زیادی به آنکولائیها داشتند . بطوریکه معروف بود " اگر میخواهی یک کوبائی را از یک آنکولائی تشخیص بدهی ، باید با انگشت روی دماغ او فشار بیاوری ، اگر استخوان دماغ او نرم بود ، حتماً آنکولائیست ، وگرنه کوبائیست . برای اینکه مادرها در آفریقا بچه ای خود را طوری حمل میکنند که دماغ آنها روی شانه مادر فشار می آورد " .

استعمارگران پرتغالی ، که سمج ترین استعمارگران





تاریخ بودند ، برای سفیدپوستان در "آنکولا" خانه های مجلل و راحتی ساخته بودند . این خانه ها شباهت زیادی بهمان خانه هائی داشت که آمریکاییها در "کویا" برای خود ساخته بودند که بعد از پیروزی انقلاب در تصرف ملت "کویا" درآمد .

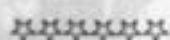
غیر از این چند خانه و چند علامت دیگر تعدن چیز دیگری از پرتغالیها باقی نماند . آنها ، در عوض ، "آنکولا" را در وضع تأسیف آوری ترک کردند . ۹۱ درصد بیسوادی ، فرهنگ عصر حجر و غیره و غیره . فقط در بعضی شهرها کسانی میتوانستند بیک زبان خارجی (البته پرتغالی) تکلم کنند . افکار خرافاتی رواج زیاد داشت ، بطوریکه اغلب مردم فکر میکردند که سفیدپوستان هیچوقت زخمی نمیشوند و گلوله به آنها اصابت نخواهد کرد . بیشتر آنکولانیها از هواپیما میترسیدند و حاضر نبودند در خندق بچینند ، برای اینکه عقیده داشتند که فقط مردگان به جاله میروند .

از جنگ پارتیزانی تا جنگ تجهیزات

پزشکان کوبانی بارها با امراضی روبهرو بودند که تا بآن هنگام بییزی در باره آنها نشنیده بودند . در زمان حکومت پرتغالیها برای شش میلیون آنکولانی تنها ۹۰ پزشک وجود داشت ، که اغلب آنها هم در پایتخت کشور بودند . وقتی پرتغالیها رفتند ، ۶۰ نفر از این پزشکان نیز با آنها "آنکولا" را ترک کردند ، بطوریکه در آن زمان برای شش میلیون آنکولانی فقط ۳۰ پزشک وجود داشت ، برای هر ۲۰۰ هزار نفر یک پزشک .

یکی از پزشکان متخصص کودکان ، که تازه از کویا آمده بود ، میگفت که در همان روز ورودش پنج کودک آنکولانی درگذشتند ، بدون آنکه او بتواند به آنها کمک کند . این اتفاق اثر عجیبی بر این مرد ۳۵ ساله گذاشته بود ، چون او اهل کشوری بود که از حیث مرگ و میر کودکان مقام غرور انگیزی

در جهان دارد . ام . پ . ال . آ . ، تا آنجا که میتوانست ، در جهت پیروزی بعمل آورده بود . با اینحال ، "آنکولا" هنوز آمادگی کامل برای درگیر شدن با قوایی که مدرن ترین سلاح های دنیا را در اختیار داشت ، نداشت . جنگ دیگر جنبه پارتیزانی خود را از دست داده بود و بیک جنگ دفاعی در مقابل یک تکنولوژی مدرن تبدیل شده بود .



زنده باد همبستگی ضد امپریالیستی خلقهای جهان